

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی - اسلامی در بین جوانان شهر کرمان

منصور حقیقتیان^۱، آمنه فیروزآبادی^{۲*}، حمید محمودیان^۳

۱- دانشیار جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، اصفهان، ایران.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی گرایش فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، اصفهان، ایران.

۳- استادیار ادیان و عرفان تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، فارس، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان شهر کرمان است، روش تحقیق، پیمایشی، از نظر هدف، جزو تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری پژوهش را جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر کرمان تشکیل می‌دهند، بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۶۵۰ نفر تعیین گردید، شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، جمع‌آوری گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روشهای آمار توصیفی و استنباطی در نرم افزار آماری SPSS استفاده شد، نتایج نشان داد بین سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی افراد و نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد. بین عوامل اجتماعی و فرهنگی و نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان با توجه به متغیرهای میانجی (سن، جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات) رابطه وجود دارد.

بین نوع شغل، منطقه محل سکونت، منزلت شغلی و نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد، همچنین بین میزان آشنایی با فرهنگ غرب و نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، سبک زندگی ایرانی - اسلامی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، جوانان.

مقدمه و بیان مسأله

سبک زندگی واژه‌ای است که ابتدا در ادبیات فرهنگ مدرن متولد شد. حدود دو قرن پیش واژه‌ای با عنوان سبک زندگی وجود نداشت و اگر در خصوص سبک زندگی افراد، سئوالی از آنان پرسیده می‌شد احتمالاً سئوالی بی معنا و غیرقابل فهم بود، ولی از آنجا که در طول تاریخ و در تمامی جوامع، زندگی انسانها همواره بر اساس مجموعه‌ای از قواعد معین و منظم بوده است، پس به طور طبیعی می‌توان گفت که زندگی انسانها همواره با نوعی سبک همراه بوده است، ولی به تدریج در جوامع مدرن و غربی شرایطی ایجاد شد که توجه اندیشمندان علوم اجتماعی را بیش از پیش به موضوع الگوی زندگی جلب کرد و همین پیش زمینه، بستری شد برای تولد واژه سبک زندگی در ادبیات فرهنگ مدرن. (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۰) ناگفته پیداست که در زمینه سبک زندگی، تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی و بومی وجود دارد و تعریفی که فرهنگ ما از زندگی و خوب و بد بودن آن بر اساس آخرت گرایی و نقش مزرعه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی، که هدف اصلی و زندگی واقعی است، بر ایمان دارد؛ درست در نقطه‌ی مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای مکتب اومانیزم و لذت گرایی و هدف غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. این دو جهان بینی دقیقاً در نقطه مقابل هم قرار دارند و بی گمان این اختلاف دیدگاه در بررسی وضعیت سبک «زندگی» و خوب و بد بودن آن و برنامه‌ریزی برای اصلاح آن تأثیر تام و تمام خواهد گذارد؛ چه بسا بر اساس دیدگاه اسلامی در بررسی سبک «زندگی»، توجه به برخی رفتارها و مصارف مورد توجه باشد یا حتی در اولویت باشد که در دیدگاه غربی توجه به آنها اصلاً بی مورد باشد و آنها را اصولاً داخل در سبک زندگی نداند که به تبع این وضعیت،

برنامه‌ریزی در خصوص اصلاح وضعیت سبک زندگی نیز کاملاً متفاوت خواهد بود. بنابراین پذیرش منفعلانه سبک زندگی غربی برای جوامع مسلمان که دارای پیشینه فرهنگی غنی هستند، شایسته نیست و طبیعی است که به اقتضای اسلامی بودن جامعه ایرانی، باید بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی تأکید شود. سبک زندگی اسلامی، لازمه اصلی تمدن اسلامی است برای داشتن یک تمدن اسلامی پرداختن به سبک زندگی اسلامی یک ضرورت بزرگ است و باید به آن به صورت ویژه پرداخته شود.

مبانی نظری

نظریه پیر بوردیو در خصوص سبک زندگی

پیر بوردیو بی گمان پرخواننده ترین جامعه شناسی است که درباره مصرف و سبک زندگی سخن گفته است کتاب تمایز وی را انجیل محققان در این زمینه می‌دانند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۴). عمده ترین میراث اندیشه بوردیو برای جامعه شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قریح و مصرف فرهنگی است. از سوی دیگر، تأکید بوردیو بر الگومند بودن اعمال مصرف که نتیجه الزامات منش است، الهام بخش تکنیک‌های پژوهش درباره الگوهای سبک زندگی نیز بوده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۶). در نظریه بوردیو سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است. از یک سو، سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف عاملان اجتماعی‌ای است که دارای رتبه بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی اند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله مراتبی است؛ اما چنانچه بوردیو در کتاب تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز است. (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶) ذائقه‌ها و ترجیحات زیباشناختی متفاوت - که قبلاً توضیح دادیم - سبک‌های زندگی متفاوت را ایجاد می‌کنند. بنابراین «سبک زندگی محصول نظام مند منش است که از خلال رابطه دوجانبه خود با

رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامعه‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد. مثلاً به عنوان، قابل احترام، ننگ آور و...» (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۷۲). چنانچه بوردیو در عبارت فوق نیز اشاره می‌کند مصرف به منزله نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است که کارکردهایی چون تمایزگذاری اجتماعی دارد که البته به نظر بوردیو معنایش از همین تفاوت و تمایز ناشی می‌شود و چیزی جز آن نیست. در بحث بوردیو مصرف همانند پاسخ به نیازهای زیستی مطرح نمی‌شود، بلکه مصرف به منزله استفاده از نظامی از نشانه‌ها و نمادها مطرح است (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۶۶) که البته خود این نشانه‌ها و نمادها از خلال فرایند مصرف تولید می‌شوند. از این رو، مصرف در اندیشه بوردیو، برخلاف مارکسیسم کلاسیک، صرفاً یک متغیر وابسته نیست. سبک زندگی متأثر از ذائقه، و ذائقه پیامد منش و منش نیز محصول جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است. جایگاه فرد در ساختار اجتماعی که مشخص کننده میزان بهره‌مندی وی از انواع سرمایه است، منش وی را شکل می‌دهد و منش نیز مولد دو نوع نظام است. یک نظامی از رویه‌های ادراک و ارزیابی، یعنی همان ذائقه و دیگری نظامی از رویه‌های ایجادکننده اعمال قابل طبقه‌بندی که تعامل این دو نظام سبک زندگی را ایجاد می‌کند. اما این یک طرف رابطه است؛ زیرا سبک زندگی و فرآیندهای مصرفی به منزله تجلی آن، هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی شده است و هم نظامی از اعمال طبقه‌بندی کننده. از این رو است که فرآیندهای مصرفی خود به منزله متغیری مستقل در ایجاد سلسله مراتب اجتماعی مطرح‌اند. نکته مهمتر آنکه رابطه منش و ساختار اجتماعی یک سویه نیست، بلکه بوردیو از رابطه دیالکتیکی شرایط و منش سخن می‌گوید که سبب تغییر در توزیع سرمایه و توازن رابطه قدرت در جامعه می‌شود و سیستمی از تفاوت‌های ادراک شده و دارایی‌های متمایز ایجاد می‌کند که در واقع همان توزیع سرمایه نمادین و سرمایه مشروعی است که حقیقت عینی را تحریف می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۷۲) سرمایه نمادین محصول شناخته شدن و به رسمیت شناخته شدن توسط دیگران است و لذا نیازمند آن است که مقوله‌های فهم و ادراک دیگران این اعمال و رویه‌های مصرفی را به عنوان برتر شناسایی کنند. دسته بندی‌های سبک زندگی که از طریق کاربست الگوهای بوردیویی به دست می‌آید صرفاً توصیف مجموعه‌ای از واقعیات نیست، بلکه از آن جهت که اجازه پیش بینی سایر اوصاف و خصایل را می‌دهد نقش

تبیین گر دارد و می تواند قدرت پیش بینی برخوردارها، دوستی و امیال را به دست دهد. تحلیل بوردیویی در دو جنبه دارای جنبه تبیینی است. جنبه آشکارتر رابطه جایگاه اجتماعی، منش و سبک زندگی است و جنبه دوم طبقه بندی های سبک زندگی است که به سبب قدرت پیش بینی ای که دارد جنبه تبیینی دارد. تبیین بوردیو از سبک زندگی مناسب ترین تحلیل برای تحلیل سبک زندگی است (مک رابی، ۲۰۰۷: ۶).

نظریه های سبک زندگی جرج زیمل

سبک زندگی، مطابق نظر زیمل، تجسم تلاش انسانی است برای یافتن ارزش های بنیادی یا به تعبیری، فردیت برتر خود در فرهنگ عینی اش و شناساندن آن به دیگران؛ به عبارت دیگر، انسان برای معنای مورد نظر خود "فردیت برتر"، شکل "صورت" های رفتاری را بر می گزیند. زیمل توان چنین گزینشی را، "سلیقه" و این اشکال مرتبط به هم را "سبک زندگی" می نامد. (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۳۱۴) همچنین زیمل در مقاله "مد" به انگیزه های درونی و عوامل فردی مؤثر بر شکل گیری الگوی مصرف می پردازد و دلایل تعدد تغییر مد - چه در پوشاک، چه هنر، چه معماری و حتی آشپزی، موسیقی و غیره - را در مظاهر فرهنگ مدرن جستجو می کند. او جهان مدرن را عصری "عصبی" ارزیابی می کند که در آن برخلاف گذشته، عرصه انتخاب برای مصرف، بسیار وسیع است و این تنوع انتخاب و تکثر گونه هاست که به افراد امکان می دهد خود را از دیگران متمایز سازند. به دنبال همین اندیشه امروز یکی از مؤلفه های بسیار مهم سبک زندگی را "قدرت انتخاب" می دانیم (خادمیان، ۱۳۸۸: ۶۶). زیمل نخستین جامعه شناسی بود که به جهان فراغت و مصرف گرایی توجه کرد. وی، ماجراجویی را از گونه اجتماعی مدرن می داند (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۵: ۵). آنچه زیمل مطرح می کند یکی از جنبه های بسیار مهم و فراگیر زندگی مدرن است. جنبه ای که پیش از این در تحقیقات جامعه شناختی به کلی نادیده گرفته شده بود. مفهوم ماجراجویی، فعالیت های گوناگونی را در بر می گرفت که شامل سفر، رقابت های ورزشی، قمار و فعالیت های بیرون از خانه مانند قایقرانی و کوهنوردی می شود. به طور خلاصه، جامعه شناسی زیمل بر آن است که مدرنیته تنها در صورتی درک خواهد شد که بکوشیم رابطه دیالکتیکی کار با بازی، قلمرو ضرورت با قلمرو

فراغت را بفهمیم (پورزارع، ۱۳۹۱: ۴۱). بنابراین در نظریه زیمل، اوقات فراغت به عنوان بخش جداناپذیر سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته و به آن پرداخته می‌شود. از این رو فراغت به همراه امکانات در دسترس به عنوان بخشی از سبک زندگی می‌تواند ایجاد فرهنگ نموده و هویت افراد را آشکار سازد. بشر به طور طبیعی برای رفع خستگی از اعمال روزانه و برنامه‌های ثابت زندگی، اوقاتی را برای تفریح و تفریح اختصاص می‌دهد و در آن ساعات به ورزش‌ها، دیدار از دوستان، استفاده از رسانه‌ها و سایر فعالیت‌های تفریحی می‌پردازد (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۵: ۵). گنورگ زیمل، در کتاب «فلسفه پول»، سبک زندگی را مجموعه‌ای از سلايق فرد در زندگی می‌داند. در اینجا، سلیقه به معنای گزینش رضایت‌بخش است و مجموعه یعنی عناصر به‌هم مرتبطی است که معنایی را بازنمایی می‌کنند. وقتی کسی همواره در مورد مسائل مادی سخن می‌گوید، جلوه‌های مادی زندگی خود را پُرزرق و برق می‌کند، نشست و برخاست خود را به افراد ثروتمند محدود می‌کند، اخبار مربوط به اجناس گران‌بها را دنبال می‌کند و زندگی خود را با چنین اموری سامان می‌دهد، می‌گوییم سبک زندگی او اشرافی است. در همین مثال، آشکارا می‌توان دید که برای هر کسی، انتخاب هر سبکی ممکن نیست. هر سبک زندگی، پیش‌زمینه‌هایی می‌طلبد. اگر کسی پول کافی نداشته باشد، چگونه ممکن است اشرافی زندگی کند؟ به همین ترتیب، هر سبک زندگی پیامدهایی دارد. کسی که اشرافی زندگی می‌کند، کمتر می‌تواند باخبر از حال حاشیه‌ها و فقرا باشد. در ضمن، درک فرد نیز دستخوش سبک زندگی اوست. فرهیختگان دانشگاهی چگونه مردم کم‌سواد و گزینش‌های عامیانه‌ی آنان را درک می‌کنند؟ سبک زندگی، پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی ما را می‌سازد و گاهی دگرگون می‌کند. همه چیز را با پول مبادله کردن، این پیش‌فرض را برای ما ساخته است که پول همه چیز است. سرایت، ویژگی منطق پنهان در سبک زندگی است. همان منطقی که ارتباط اجزای مجموعه را مشخص می‌کند یا به زبان زیمل، سلیقه‌های فرد در امور مختلف را به هم پیوند می‌زند. گاهی با پول می‌شود آبرو و شرافت خرید، فقط گاهی. اما آن قدر هر روز با پول چیزهای مختلف می‌خریم و به این منطلق که «اگر پول داری، می‌توانی بخری» عادت می‌کنیم که قید «گاهی» برای ما به «همیشه» تبدیل می‌شود (فیروزی و دیگران، ۱۳۸۵: ۵).

نظریه‌های سبک زندگی ماکس وبر

شاید بتوان ماکس وبر را اولین جامعه‌شناسی دانست که به تبیین مفهوم سبک زندگی پرداخته است وی از مفهوم و اصطلاح سبک زندگی برای نشان دادن سلسله مراتب و قشر بندی اجتماعی استفاده کرده است. وبر قشر بندی اجتماعی را حاصل از سه قسمت طبقه، گروه منزلت و حزب می‌داند و مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تأملات وبر درباره گروه‌های منزلت است (آرین، ۱۳۹۲: ۲). یک گروه منزلتی گروهی است که به واسطه سبک زندگی معین، ادراکات قرار دادی و خاصش از احترام و فرصت‌های اقتصادی که به صورت قانونی به انحصار خود در آورده جامعه پذیر شده اند. وی دلیل اصلی برای اتخاذ نوعی خاص از سبک زندگی را به نیاز گروهی از جامعه برای تأیید اعتبار موجودیت خویشتن برای خود و دیگران می‌داند و به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و... به عنوان عناصر سبک زندگی اشاره می‌کند (آرین، ۱۳۹۲: ۲). وبر خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن می‌داند و به وجود محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کند؛ محدودیت‌هایی همچون عوامل ذهنی، سنتی - هنجاری، حقوقی و مذهبی که در محدود کردن سبک‌های زندگی نقش دارند. ماکس وبر، در بحث قشر بندی اجتماعی از طریق مفهوم "منزلت" به موضوع سبک زندگی اشاره کرده است. ماکس وبر در کارهایش درباره قشر بندی، اهمیت عامل طبقه را که مارکس بر آن تأکید داشت پذیرفته بود. اما به نظر او مفهوم قشر بندی اجتماعی را باید بسط داد تا قشر بندی بر مبنای منزلت، حیثیت و قدرت را نیز در بر گیرد (ریتزر، ۱۳۸۶: ۳۳). مطابق نظر وی، قشر بندی انسان‌ها در گروه‌های منزلتی، بیشتر بر الگوهای مصرف آنها مبتنی است تا جایگاه آن‌ها در بازار یا فراگرد تولید. بنابراین به گونه‌ای موضوع سبک زندگی را از طریق مفهوم منزلت و تأکید بر الگوهای مصرف مورد اشاره قرار داده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۱)، وبر واژه سبک زندگی را جهت اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند، به کار گرفت (تامین، ۱۳۸۳: ۴۳).

نظریه‌های سبک زندگی تورستین وبلن

اگر چه مفهوم سبک زندگی به وضوح در آثار وبلن، مشاهده نمی‌شود، اما برخی از جنبه‌های بیانگرانه این مفهوم در ارتباط با نگاه نقادانه اش در نظریه طبقه تن آسای قابل درک است. وبلن در این اثر پس از آنکه "رفاه" و "مالکیت" را به عنوان عناصر ساختار اجتماعی - یا واقعیت‌های متداول زمان - مورد بحث قرار می‌دهد، فرآیندی را توضیح می‌دهد که تحت تأثیر فرهنگ یغماگری در دوره‌های مختلف تاریخی به شکل گیری و ظهور طبقه تن آسا در جامعه آمریکای نیمه دوم سده نوزدهم منجر شده است. طبقه‌ای که با ویژگی‌های مهمی مانند "تظاهر به تن آسایی" و "مصرف تظاهری" شناخت می‌شود. در این چشم انداز، "تظاهر" به مثابه نیروی محرکه‌ای به نظر می‌رسد که پتانسیل ثروت و قدرت را در ارتباط با سبک زندگی این طبقه به جریان می‌اندازد، برای به دست آوردن و حفظ اعتبار، فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست، ثروت یا قدرت باید "نشان داده شود"، زیرا اعتبار، فقط با آشکار کردن آنها به دست می‌آید. وبلن، متناسب با تکامل اقتصادی و تغییرات اجتماعی، مفاهیم کِلیدی "تن آسایی نیابتی" و "مصرف نیابتی" را برای توضیح روند شکل گیری یک طبقه تن آسای حاشیه‌ای یا بدلی به کار می‌گرد، آسایش نیابتی که به وسیله خانم خانه و خدمتکاران ایجاد می‌شود، گاهی اوقات به صورت کارهای پرزحمت در می‌آید، به ویژه هنگامی که رقابت سختی برای کسب اعتبار در میان باشد. در زندگی نوین هم این وضعیت، بسیار صادق است. از نظر وبلن، سیر تحول تن آسایی و مصرف تظاهری در جامعه کنونی که مرز جدایی طبقات اجتماعی در آن مبهم و متغیر به نظر می‌رسد نیز امتداد می‌یابد. در هر جامعه‌ای که از صنعت سازمان یافته بیشتری برخوردار است، توانایی مالی در نهایت، مهمترین زمینه‌ای است که پایه‌های شهرت و اعتبار بر آن استوار است و وسیله‌ای که می‌توان با آن، توانایی مالی را به نمایش گذاشت و شهرت و احترام به دست آورد، تن آسایی و مصرف تظاهری کالا است. در لایه‌های پایین تر ساختار اجتماعی هم تا جایی که ممکن است این دو روش رایج باقی می‌ماند اما این سیر تحولی به فایده هر دو رفتار از نظر کسب اعتبار نیز ناظر است: بنابراین در مراحل اولیه تکامل اجتماعی، تأثیر این دو روش یکسان بوده است، اما هنگامی که تفاوت گذاری بیشتر شده - که این مستلزم محیط اجتماعی گسترده تر است - مصرف، به عنوان وسیله متداول

تجمل و آراستگی بر "تن آسایی" پیشی می‌گیرد. (وبلن، ۱۳۸۳: ۸۲) وبلن کتاب معروف خویش - نظریه طبقه مرفه یا تن آسا - را در ۱۸۹۹ برای تبیین همین مطلب نوشت که مصرف این طبقه نه از سر نیاز بلکه برای کسب اعتبار اجتماعی و در راستای جلب توجه صورت می‌گیرد. حتی در برخی موارد، آسایش و رفاه و تلذذ ایشان اقتضای مصرفی دیگرگون دارد، اما انگیزه تمایزجویی و برتری طلبی، الگوی مصرف خاصی را پیش رویشان می‌گذارد. این نمایش پر تظاهر از مصرف، کارکرد زمینه سازی برای ستایش اجتماعی موقعیت و جایگاه آنان را دارد و حتی در نظر او دلیل اصلی خرید و مصرف انواع خاص اتومبیل و تزیینات منزل و لباس و غذا و...، نمایش شیوه خاصی از سبک زندگی مشترک است. وبلن (۱۳۸۶) انگیزش‌های اجتماعی برای رفتار رقابت آمیز و چشم و هم‌چشمی را پایه و اساس تبیین پدیده مصرف مدرن قرار می‌دهد و با طرح مفهوم طبقه تن آسا، مفهوم تمایز طبقاتی که در مصرف تجلی پیدا کرده است را مطرح می‌کند و قدرت مالی و ثروت را مبنای افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی می‌داند. البته وی نقش ذخیره کردن ثروت در کسب افتخار را ضعیف تر از نمایش دادن آن می‌داند و معتقد است که برای به دست آوردن و حفظ اعتبار، فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست بلکه ثروت و قدرت باید نشان داده شود، زیرا اعتبار فقط با آشکار کردن آن‌ها به دست می‌آید. به نظر او افراد ثروتمند در جوامع کوچک از طریق فراغت خود نمایانه و در جوامع بزرگ و شهری از طریق مصرف خود نمایانه و نمایشی، ثروت خود را به نمایش می‌گذارند. وی به اصل و ضایع کردن تظاهری در جریان مصرف نمایشی اشاره می‌کند که منظور مسابقه و رقابت بر سر هر چه بیشتر پول خرج کردن است. وی پدیده مد را مختص به طبقه بالایی می‌داند که می‌خواهند نشان دهند که برای کسب درآمد مجبور به کار کردن نیستند. او یکی از بهترین زمینه‌های مصرف نمایشی و ضایع کردن تظاهری را مصرف لباس می‌داند (مجددی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۴).

نظریه‌های سبک زندگی آنتونی گیدنز

گیدنز از جمله نظریه پردازان معاصر در حوزه جامعه شناسی است. وی در خصوص ساختار طبقاتی در جوامع مدرن به شیوه جدیدی به طرح موضوع سبک زندگی می‌پردازد. مطابق نظر

گیدنز در تجدد و تشخص، هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، شیوه زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی اش، و با ساخت و نیز تجدد ساخت آن سروکار خواهد داشت. از نظر وی، سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

به زعم او سبک‌های زندگی، کردارهایی هستند که به جریان عادی زندگی روزمره تبدیل شده‌اند. جریان‌هایی که در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات کردن دیگران، جلوه می‌کنند. اما وی یادآور می‌شود که چنین رفتارهایی، بازتاب‌کننده هویت‌های شخصی، گروهی و اجتماعی‌اند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۹). به بیان گیدنز، بازاندیشی یکی از مؤلفه‌های دنیای مدرن است. بدین معنا که دنیای مدرن، یافته‌های حاصل از نظام‌های انتزاعی را مرتباً در سازماندهی مجدد خود به کار می‌برد. بازاندیشی عصر مدرن، پویایی و حرکت بی‌سابقه‌ای به آن داده به نحوی که در هیچ یک از فرهنگ‌های ماقبل مدرن وجود نداشته است. یکی از پیامدهای بازاندیشی در خویشتن، پیدایش سبک زندگی است. دنیای مدرن، سبک‌های بسیار متنوع و متفاوتی را پیش روی هر فرد می‌گذارد و او ناگزیر می‌شود تا از میان آنها برای عمل خود به گزینش پردازد. حتی اگر کسی بخواهد مطابق با فرهنگ سنتی زندگی کند، ناخواسته دست به گزینش خاص می‌زند. اما نکته مورد نظر این است که هر فرد برای انتخاب سبک زندگی خود کاملاً آزاد نیست و اسیر قیدوبندهایی خواهد بود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۲). سبک زندگی را باید از هویت فردی متمایز کرد. گیدنز استدلال می‌کند هویت فردی، شکل خاصی می‌گیرد و آن شکل، سبک زندگی شخص است، اگرچه این استدلال که سبک زندگی، بیان مادی هویت فرد است، به نظر معقول می‌رسد، باید خاطر نشان کرد سبک زندگی، تأثیری دوسویه بر هویت فرد دارد. تعقیب کردن یک جهت‌گیری خاص در زندگی فردی ممکن است یا به طور جزئی و یا به طور چشمگیر به تغییراتی در هویت شخصی فرد، منجر شود و مردم با هویت فردی مشابه، ممکن است سبک‌های زندگی کاملاً متفاوتی را دنبال کنند. این امر به دلیل این واقعیت است که سبک زندگی، بیانگر

انتخاب، ولو با محدودیت‌ها است. این انتخاب‌ها و محدودیت‌ها را می‌توان به خوبی در چارچوب نظری "ساخت یابی" گیدنز بررسی نمود. نظریه‌ای که رابطه دیالکتیکی میان عاملیت و ساختار در آن توضیح داده می‌شود. در همین رابطه، گیدنز، تحلیلش را از عملکردهای انسانی آغاز می‌کند، ولی بر این پافشاری می‌کند که این عملکردها را باید به گونه‌ای بازگشتی در نظر آورد. به این معنا که "فعالیت‌های انسانی را کنشگران اجتماعی به وجود نمی‌آورند، بلکه این فعالیت‌ها از طریق همان راه‌هایی که انسان‌ها خودشان را به عنوان کنشگر مطرح می‌سازند، پیوسته بازایجاد می‌شود. عوامل انسانی از طریق فعالیت‌هایشان، شرایطی را به وجود می‌آورند که این فعالیت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد (ریتزر، ۱۴۸۶: ۶۶۰). گیدنز معتقد است اگرچه قدرت انتخاب، شاکله سبک زندگی است، اما "اغلب این قدرت انتخابی به وسیله عواملی محدود می‌شود که از محدوده انتخاب فرد بیرون است"، در جوامع نو، انتخاب‌های سبک زندگی، هم تشکیل دهنده زندگی روزانه هستند و هم تطبیق یافته با نظام‌های انتزاعی. وی بیشتر به سبک زندگی با آنچه خود "سیاست زندگی" می‌خواند اعتقاد دارد: سیاستی که از کشمکش‌ها درباره پاسخ سؤالی کلیدی حاصل می‌شود. (کاویانی، ۱۳۹۱: ۴۵) عاملیت، مطابق نظر گیدنز، صرفاً به معنای تیات و مقاصدی نیست که افراد در انجام دادن کارها دارند، بلکه در درجه اول به معنای توانایی آنها برای انجام دادن این اعمال است، "عاملیت"، به رویدادهایی مربوط می‌شود که فرد، مسبب آنهاست، به این معنا که فردی می‌توانست در هر مرحله از جریان کردار، به گونه‌ای دیگر عمل کند. " (گیدنز، ۱۹۹۳ به نقل از کسل، ۱۳۸۷: ۱۳۶) وی که با تأکیدش بر عاملیت، به عوامل انسانی، قدرت بزرگی می‌بخشد، بی‌گمان تشخیص می‌دهد که الزام‌هایی بر کنشگران تحمیل می‌شود، اما این به آن معنا نیست که کنشگران گزینش نمی‌کنند و تأثیری از خود باقی نمی‌گذارند (ریتزر، ۱۳۸۶: ۱۶۲). به طور کلی ملاحظه می‌شود گیدنز یکی از نشانه‌ها یا مؤلفه‌های دنیای مدرن را بازاندیشی می‌داند که موجب تحرک و پویایی جهان می‌گردد. همان‌طور که وی اشاره می‌کند سبک زندگی، حاصل بازاندیشی "سازماندهی مجدد نظام‌ها" است که به فرد قدرت گزینش «گیدنز» معنایی را در این روند باز می‌کند: در دنیای متجدد کنونی، همه ما هم از شیوه‌های معینی در زندگی پیروی می‌کنیم، هم ناچار به این پیروی هستیم، زیرا علاوه بر برآورده کردن نیازهای جاری

مان، هویتی را که برگزیدیم نیز مشخص می‌شود و در پی آن دیگران رفتارهای خاصی را در کنش‌هایشان بر طبق این هویت آشکار شده، بروز می‌دهند. بدین ترتیب شیوه‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می‌آیند، عملکردهایی که در نوع "پوشش، خوراک، روش کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران" جلوه می‌کند. «درباره انتخابی بودن و کثرت سبک زندگی، «گیدنز» این گونه استدلال می‌کند که: نباید تصور کرد، افراد قادرند به انتخاب همه الگوهای موجود بپردازند. زیرا تعدد الگوهای کلی شیوه زندگی کمتر از تعدد انتخاب‌های موجود در تصمیم‌گیری‌های راهبردی (استراتژیک) روزمره است.

نظریه‌های اسلامی سبک زندگی

بر اساس رویکرد دین‌شناسانه می‌توان سبک زندگی را به این صورت تعریف کرد: «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده، و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند» دقت و تأمل در مؤلفه‌های گوناگون این تعریف، ابعاد مهمی از سبک زندگی را برای ما نشان می‌دهد و وجه تمایز این تعریف با تعاریف جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه و همچنین ارتباط آن را با اموری همچون دین، باورها، اخلاق، نگرش‌ها و امثال آن را روشن می‌کند. علاوه بر این، نقش نمادین و نمایشی بودن «سبک زندگی» را نیز در مقایسه با مطلق «رفتار» نشان خواهد داد. در اینجا به اهم الزامات و لوازم این تعریف اشاره می‌کنیم (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۲).

۱- سبک زندگی محصول و معلول باورها و ارزش‌هاست. نوع نگاه انسان به جهان، خدا، انسان و حیات پس از مرگ و نوع ارزش‌های پذیرفته شده او، تأثیری مستقیم بر انتخاب‌ها و گزینش‌های او دارند. به همین دلیل، در نخستین نگاه و به‌روشنی می‌توان دو نوع کلی سبک زندگی را از یکدیگر متمایز ساخت: سبک‌های زندگی مؤمنانه و سبک‌های زندگی غیرمؤمنانه (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۲).

۲- عوامل درونی از جمله امیال، غرایز و خواسته‌های فردی و محیط بیرونی از جمله وضعیت جغرافیایی و فضای اجتماعی در سبک زندگی تأثیر دارند. سبک زندگی جایی است

که سلاقی، غرایز و خواسته‌های فردی می‌توانند نقش آفرینی باشند. همان‌گونه که وضعیت جغرافیایی، فضای اجتماعی و محیطی خواه ناخواه سایه خود را بر انتخاب‌ها و گزینش‌های انسان می‌افکنند. بر این اساس، باید توجه داشت آن‌گاه که سخن از تأثیرپذیری سبک زندگی از باورها و ارزش‌های دینی به میان می‌آید، نباید چنین پنداشت که امیال و خواسته‌های فردی در این نوع سبک زندگی هیچ جایگاهی ندارند و یا نباید داشته باشند. اصولاً دین الهی و اصیل نمی‌خواهد غرایز و امیال فردی را سرکوب کرده و نابود سازد، بلکه می‌خواهد آنها را جهت‌دهی کرده. و در مسیر درست و سعادت‌بخش هدایت نماید. همان‌طور که هرگز نباید تأثیر محیط اجتماعی، وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی را در گزینش انواع خاصی از سبک زندگی نادیده گرفت. تأثیر جامعه و محیط بر گزینش‌ها و انتخاب‌های افراد تا آنجاست که حتی بعضی از جامعه‌شناسان و عالمان علوم تربیتی را به این توهم انداخته است که از جبر اجتماعی (دورکیم، ۱۳۶۰: ۱۱۵) و جبر محیطی و تربیتی سخن به میان آورند (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۲).

۳- سبک زندگی ناظر به رفتارها و نمودهای ظاهری و بیرونی هویت انسانی است؛ به این معنا که خود باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های افراد را جزو سبک زندگی نمی‌دانیم، بلکه آنها بنیان‌های شکل‌دهی به نوع خاصی از سبک زندگی هستند. به عبارت دیگر، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها همگی در شکل‌دهی به هویت انسانی نقش آفرین هستند. سبک زندگی به آن بخش از هویت انسانی اطلاق می‌شود که جنبه «بیانگرانه» دارد. جنبه‌های نادیدنی هویت انسانی را در قالب رفتارها، انتخاب‌ها و اشیا برای دیگران دیدنی می‌کند. بر این اساس، این نظریه را درست نمی‌دانیم که سبک زندگی را افزون بر رفتارهای بیرونی، شامل ادراک‌ها، باورها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، تمایلات، ترجیحات و همه امور ذهنی و درونی نیز می‌داند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۴).

۴- گستره سبک زندگی، به وسعت همه رفتارهای نهادینه‌شده فردی و اجتماعی انسان است. از آرایش مو و آراستگی ظاهری گرفته تا انتخاب رنگ لباس و مدل کفش و چیدمان اسباب و اثاثیه منزل، تا نوع موسیقی و علاقه‌های هنری، شغلی و نحوه گذران اوقات فراغت و معماری و شهرسازی و امثال آن؛ (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۳).

۵- رفتارهای موقتی یا موردی یک فرد یا گروه را نمی‌توان سبک زندگی آنان تلقی کرد. به‌عنوان مثال، اگر کسی یک بار کراوات بزند، هرچند بر اساس آموزه‌های اسلامی ممکن است کار درستی نکرده باشد، اما نمی‌توان گفت این نوع پوشش، سبک زندگی او شده است، بلکه رفتارهایی را می‌توان به‌عنوان سبک زندگی در نظر گرفت که وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده باشند، به‌گونه‌ای که همچون ملکات نفسانی در اخلاق، تقریباً بدون ترویج و تأمل از فرد یا جامعه‌ای خاص صادر شوند (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۳).

۶- سبک زندگی به تدریج حاصل می‌شود و به تدریج هم زایل می‌شود. نهادینه شدن یک رفتار یا عملکرد زمان‌بر است، صبوری و بردباری ویژه‌ای می‌طلبد. به‌عنوان مثال، پیدایش سبک معماری اسلامی بلافاصله پس از بیان تعالیم اسلام در مورد اهمیت مسجد، نماز جماعت، تکریم مهمان، همسایه‌داری، اخلاق اجتماعی و شهروندی نبود، بلکه این تعالیم و آموزه‌ها به تدریج سبک خاصی از معماری را در جهان اسلام پدید آوردند و یا زایل شدن سبک زندگی برده‌داری، امری زمان‌بر بود. نگاهی اجمالی به تعالیم اسلامی و معارف قرآنی این حقیقت را نشان می‌دهد که هیچ‌یک از اولیای الهی، برده‌داری را امری پسندیده نمی‌دانستند، بلکه در تلاش بودند تا این شیوه رفتاری و این نوع نظام اجتماعی را تغییر دهند. اما تغییر سریع آن نه امکان‌پذیر بود و نه مطلوب؛ زیرا تغییر سریع آن در صورت امکان، موجب فروپاشی نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه آن روزگار می‌شد؛ زیرا همه نظام اقتصادی، تجاری، معیشتی و معاشرتی آن روزگار بر این اساس آن شکل گرفته بود. تغییر چنین وضعیتی نامطلوبی، که در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردمان آن روزگار رخنه کرده بود، کاری سترگ اما زمان‌بر بود (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۳).

۷- سبک زندگی همچون ملکات نفسانی است: اقناعی و خودجوش و بی‌تکلف انجام می‌گیرد، تحمیلی و اجباری نیست. به همین دلیل، در هرگونه تلاشی برای تغییر سبک‌های نامطلوب زندگی باید توجه داشت که هرگز نباید از قوه قهریه استفاده کرد و هرگز نباید تصور کرد که سبک‌های مطلوب زندگی را می‌توان به صرف قانون‌گذاری و ابلاغ آیین‌نامه و امثال آن محقق ساخت (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۴).

۸- بر اساس تعریف و تلقی ما از سبک زندگی، نه می توان آن را امری کاملاً فردی دانست و نه امری کاملاً اجتماعی، بلکه هم ابعاد فردی و سلیق و امیال و خواسته های فردی در آن لحاظ می شود و هم تأثیرات اجتماعی و محیطی و علایق جمعی در شکل گیری آن نقش ایفا می کند. برخی افراد، همچون آلفرد آدلر، گمان کرده اند سبک زندگی امری کاملاً فردی است. به همین دلیل، معتقدند به تعداد انسان ها سبک های زندگی متفاوتی وجود دارد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۱۲۶)، این نظر درست نیست. ایشان تأثیرات محیط و جامعه را بر شکل دهی به علایق و امیال فردی نادیده گرفته اند (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۴).

۹- سبک زندگی جنبه نمادین و نمایشی دارد. در سبک زندگی، محتوا از اولویت برخوردار نیست، سبک زندگی بیانگر، نماد و نمایشگر محتواست. سبک زندگی، نماد باورها و ارزش های پذیرفته شده فرد است. نماد ابعاد نا آشکار و پنهان هویت فردی، اجتماعی و دینی اوست. به همین دلیل، ما برای سبک زندگی به خودی خود اصالتی قائل نیستیم، بلکه آن را یک معیار، شاخصه و نماد برای هویت دینی و اعتقادی و ارزشی فرد و جامعه می دانیم. با مطالعه نوع معماری، پوشش، اوقات فراغت، شادی، روابط خانوادگی و اجتماعی، موسیقی، ارتباطات شهروندی، دکوراسیون خانه، و امثال آن، می توان نوع و کیفیت باورها و ارزش های افراد را به دست آورد. به تعبیر زیبای علامه مجلسی در بحارالانوار، «ظاهر عنوان و نمایشگر باطن است» (شریفی، ۱۳۹۱: ۵۴).

دین و سبک زندگی

فرهنگ حاکم بر جامعه و شاخص های آن، بنیان الگوهای موجود در یک سبک زندگی خاص را تشکیل می دهد، ولی روشن است که خود فرهنگ نیز از عوامل متعددی سرچشمه می گیرد که مهم ترین عامل آن، دین و آموزه های وحیانی است. دین در مقام نوعی هدایت الهی که در چارچوب ارسال پیامبرانی برای جامعه انسانی صورت می گیرد، دگرگونی ژرف و گسترده ای در اندیشه و روح انسان ها پدید می آورد. در پرتو این دگرگونی که نظام شناخت ها و باورها، ارزش ها، گرایش ها، رفتارها و کردارهای انسان را در بر می گیرد، استعداد های درونی و فطری بشر شکوفا و هدایت می شود و در مسیری خاص به تکامل می رسد... در این باره

می‌توان گفت هر چه دین، جهان شمول تر باشد یا گرایش‌های جهانی بیشتری داشته باشد و بتواند معیارهای خود را بر شمار بیشتری از افراد دارای فرهنگ‌های گوناگون تطبیق دهد، فرهنگ سازتر خواهد بود (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۳۳). از آنجا که جامعیت دین اسلام، بعدهای اعتقادی، اخلاقی و عملی زندگی انسان را به یکدیگر پیوند می‌زند و ایمان و عمل را در کنار یکدیگر می‌طلبد، آموزه‌های این آیین به گونه‌ای ارایه شده است که همواره به جلوه‌های بیرونی و عینی اعتقاد و ایمان قلبی، توجه و چگونگی آن را تبیین می‌کند. قرآن کریم، این مهم ترین منبع آموزه‌های اسلامی، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند. در پرتو آیات نورانی قرآن، شیوه زیستن پیامبر گرامی اسلام که در قالب رفتار آن حضرت در تاریخ ثبت گردیده، اسوه و نمونه عالی زندگی است که به تمام مسلمانان معرفی شده است. همچنین سخنان و حکایت‌های فراوانی از اهل بیت (علیهم السلام) در اختیار جامعه مسلمانان قرار دارد که با الهام از آموزه‌های نورانی قرآن کریم، نمونه‌های عینی تر و ملموس تری از شیوه‌ها و الگوهای زندگی مبتنی بر آموزه‌های دینی را بیان می‌کند. از این رو، اندیشمندان مسلمان در طول سده‌های گذشته و با اثرپذیری ژرف از این گنجینه‌های ارزشمند، آثاری نگاشته اند و در آن، دیدگاه‌های استنباطی و اجتهادی خود را درباره الگوهای زندگی متناسب با آموزه‌های اسلامی بیان کرده‌اند. بدین ترتیب، می‌توانیم میراث گران قدری را که درباره معرفی سبک زندگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی در اختیار داریم، در قالب چهار گروه اصلی، شامل قرآن کریم، سیره پیامبر گرامی اسلام (ص)، جوامع روایی و حدیثی و دستاوردهای علمی و فکری اندیشمندان مسلمان دسته بندی کنیم (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۳۹-۳۸).

نظریه دکتر محمد کاویانی در خصوص سبک زندگی

کاویانی بیان می‌کند، سبک زندگی اسلامی، سبکی است که دارای مؤلفه‌های زیر باشد:

- ۱- مؤلفه اجتماعی به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته‌ای خود انجام می‌دهد. ۲- مؤلفه عبادی به وظایفی اشاره دارد که رابطه بین فرد و خداوند را به عنوان عبد و مولا نشان می‌دهد و اعم است از عبادات مشخص، مثل نماز، روزه، تلاوت قرآن، ذکرهای مستحبی، حج و... و رفتارهایی که رسماً نام عبادت ندارند، اما فرد به

نیت اطاعت از خداوند آن را انجام می‌دهد. ۳- مؤلفه باورها به مفاهیم هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، خداشناختی، و... اشاره دارد که در فرد درونی شده و در لایه‌های زیرین عاطفی و شناختی او حضور دارند و به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارها دارند. ۴- مؤلفه اخلاق به صفات و رفتارهای درونی شده‌ای از فرد گفته می‌شود که وظیفه رسمی و قانونی او شمرده نمی‌شود، و با ترک یا انجام آن کسی او را مؤاخذه یا تشویق نمی‌کند. در اینجا به بعد فردی و اجتماعی اخلاق نظر می‌شود (بعد الهی آن در شاخص باورها ملاحظه شده است). ۵- مؤلفه مالی به رفتارهایی از فرد اشاره دارد که مستقیم یا غیر مستقیم، به امور اقتصادی و مادی زندگی مربوط می‌شود. اموری، مثل شغل، املاک، کیفیت دخل و خرج و... را شامل است. ۶- مؤلفه خانواده به رفتارها و روابط فرد از این حیث که عضوی از یک خانواده هسته‌ای است، اشاره دارد؛ یعنی زن، شوهر و فرزندان. خانواده بزرگ، در شاخص اجتماعی ملاحظه شده است. ۷- مؤلفه سلامت به اموری نظر دارد که در سلامت جسمانی و روانی فرد ایفای نقش می‌کنند و تغذیه، بهداشت، فعالیت بدنی، تفریح، بازی، لذت‌های زندگی، سیاحت و زیارت، خواب و استراحت، دید و بازدید، ظاهر زشت یا زیبای فرد و... را شامل می‌شود. ۸- مؤلفه تفکر و علم به وظایف شناختی فرد اشاره دارد، اعم از شناخت‌های موجود در فرد، تلاش برای افزایش شناخت‌های خود، جایگاهی که فرد برای علم و تفکر قائل است. ۹- مؤلفه دفاعی-امنیتی به وظایفی اشاره دارد که به صورت فردی یا اجتماعی با امنیت افراد و جامعه مربوط می‌شود، مثل حفظ مرزها، انتظامات داخلی شهرها و روستاها، شناسایی و مجازات مجرمان در دعوای خصوصی افراد و... ۱۰- مؤلفه زمان‌شناسی به وظایف فرد در خصوص با استفاده بهینه از زمان مربوط می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی متغیر ملاک و عوامل اجتماعی و عوامل فرهنگی مؤثر بر نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی، متغیرهای پیش بین هستند. با توجه به متغیرهای این پژوهش و بررسی نظریه‌های مختلف در خصوص سبک

زندگی می‌توان گفت، بهترین نظریه‌ها برای تبیین متغیرهای این تحقیق، نظریه‌های سبک زندگی پیر بوردیو و ماکس وبر هستند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱: بین منزلت شغلی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۲: بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۳: بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۴: بین سرمایه اقتصادی افراد و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

فرضیه ۵: بین میزان آشنایی با فرهنگ غرب و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

در بررسی‌های اجتماعی، روش‌های تحقیق گوناگونی وجود دارد. انتخاب روش تحقیق بستگی به اهداف، ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. تحقیق حاضر از نظر روش میدانی و با تکنیک پیمایش انجام گرفته است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در روش مقطعی گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت در یک زمان واحد از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام می‌شود. بنابراین روش تحقیق حاضر را باید روش پیمایش مقطعی دانست. همچنین ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش را جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر کرمان تشکیل می‌دهند، بر اساس فرمول کوکران حجم نمونه ۶۵۰ نفر تعیین شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی

در نرم افزار آماری SPSS استفاده و فرضیات پژوهش به کمک آزمون همبستگی و رگرسیون تحلیل شد.

نتایج پژوهش

فرضیه شماره ۱: بین منزلت شغلی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰.۰۳ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر منزلت شغلی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۱۸ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت ضعیف و با جهت مستقیم بین دو متغیر منزلت شغلی و گرایش به سبک زندگی ایرانی - اسلامی ارتباط وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه منزلت شغلی افراد بیشتر باشد میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی بیشتر می شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۱ ما تایید می شود.

جدول ۱- ضریب همبستگی بین منزلت شغلی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی

سبک زندگی ایرانی-اسلامی		
۰/۱۸	شدت رابطه	منزلت شغلی
۰/۰۰۳	سطح معناداری	
۶۵۰	تعداد	

فرضیه شماره ۲: بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰.۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۲۵- است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر

سرمایه فرهنگی و گرایش به سبک زندگی ایرانی - اسلامی ارتباط وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه سرمایه فرهنگی جوانان بیشتر باشد میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی کمتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۲ ما تایید می‌شود.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی

سبک زندگی ایرانی-اسلامی		
-۰/۲۵	شدت رابطه	سرمایه فرهنگی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۶۵۰	تعداد	

فرضیه شماره ۳: بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰,۰۵ است، لذا بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰,۳۶ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی ارتباط وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه سرمایه اجتماعی جوانان بیشتر باشد میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی بیشتر است. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۳ ما تایید می‌شود.

جدول ۳: ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی

سبک زندگی ایرانی-اسلامی		
۰/۳۶	شدت رابطه	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۶۵۰	تعداد	

فرضیه شماره ۴: بین سرمایه اقتصادی افراد و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۱ است و چون این عدد کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۲۱ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و گرایش به سبک زندگی ایرانی - اسلامی ارتباط وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه سرمایه اقتصادی جوانان بیشتر باشد میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی بیشتر است. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۴ ما تایید می‌شود.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی ایرانی-اسلامی

سبک زندگی ایرانی-اسلامی		
۰/۲۱	شدت رابطه	سرمایه اقتصادی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۶۵۰	تعداد	

فرضیه شماره ۵: بین میزان آشنایی با فرهنگ غرب و سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰ است و چون این عدد کوچکتر از ۰/۰۵ است، لذا بین دو متغیر میزان آشنایی با فرهنگ غرب و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۴۵- است، لذا همبستگی منفی، با شدت متوسط و با جهت معکوس بین دو متغیر میزان آشنایی با فرهنگ غرب و گرایش به سبک زندگی ایرانی - اسلامی ارتباط وجود دارد؛ بدین صورت که هرچه میزان آشنایی با فرهنگ غرب افراد بیشتر باشد میزان

گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی کمتر می‌شود. لذا بر این اساس فرضیه شماره ۵ ما تایید می‌شود.

جدول ۵: ضریب همبستگی بین میزان آشنایی با فرهنگ غرب و سبک زندگی ایرانی - اسلامی

سبک زندگی ایرانی-اسلامی		میزان آشنایی با فرهنگ غرب
۰/۴۵-	شدت رابطه	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۶۵۰	تعداد	

رگرسیون چند متغیره عوامل موثر بر سبک زندگی ایرانی اسلامی

تحلیل رگرسیون چند گانه، روش برای مطالعه سهم یک یا چند متغیر مستقل در پیش بینی متغیر وابسته است. متغیرهای مستقل را متغیرهای پیش بین و متغیر وابسته را متغیر ملاک نیز می‌گویند. (سرمد و دیگران، ۱۳۷۶: ۲۲۷) بر اساس اطلاعات ضریب همبستگی چند گانه $R(0,71)$ نشان می‌دهد که بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (سبک زندگی ایرانی اسلامی) همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. مقدار ضریب تبیین واقعی $(0,56)$ نشان می‌دهد که ۵۶ درصد از کل تغییرات میزان سبک زندگی ایرانی اسلامی در بین جوانان وابسته به متغیرهای مستقل ذکر شده در این مدل است. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل، بیش از نیمی از واریانس متغیر سبک زندگی ایرانی اسلامی را پیش بینی می‌کنند. با توجه به معناداری مقدار $F(148,0659)$ در سطح خطای کوچکتر از $0,01$ ، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق - مرکب از ۵ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (سبک زندگی ایرانی اسلامی) - مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات سبک زندگی ایرانی اسلامی را تبیین کنند. تفسیر ضرایب رگرسیونی بر اساس ضریب اتای استاندارد شده صورت می‌گیرد. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که تاثیر هر ۵ متغیر مستقل بر سبک زندگی ایرانی اسلامی معنادار است زیرا سطح معناداری (sig) آنها کوچکتر از $0,05$ است. متغیرهای « آشنایی

با فرهنگ غرب» با ضریب رگرسیونی ۰,۳۱- و متغیر «سرمایه اجتماعی» با ضریب رگرسیونی ۰,۲۷، به ترتیب بالاترین تاثیر رگرسیونی را روی متغیر سبک زندگی ایرانی-اسلامی داشته اند. به عنوان مثال، در مورد متغیر «سرمایه اجتماعی»، نتیجه را می توان بدین شکل تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر «سرمایه اجتماعی»، میزان سبک زندگی ایرانی اسلامی به میزان ۰,۲۷ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

جدول ۶: تحلیل رگرسیون چند متغیره «سبک زندگی ایرانی اسلامی»

ضریب همبستگی چندگانه R	ضریب تبیین	ضریب تبیین واقعی
۰/۷۱	۰/۵۵۹	۰/۵۶

جدول ۷: تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره "سبک زندگی ایرانی اسلامی"

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معناداری F
اثر رگرسیونی	۶	۲۴۴۳,۰۲	۴۰۷,۱۷	۱۴۸,۰۶۵	۰,۰۰,۰
باقیمانده	۶۴۳	۱۷۰۲,۲۱	۲,۷۵		
کل	۶۴۹	۴۱۴۵,۲۳			

نتیجه گیری

نتایج نشان داد، بین سرمایه فرهنگی ($r = -۰/۲۵$)، سرمایه اجتماعی ($r = ۰/۳۶$)، سرمایه اقتصادی افراد ($r = ۰/۲۱$)، آشنایی با فرهنگ غرب ($r = -۰/۴۵$)، منزلت شغلی ($r = ۰/۱۸$) و نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود دارد. بین منطقه محل سکونت و نمونه آرمانی سبک زندگی ایرانی-اسلامی در بین جوانان رابطه وجود ندارد، میزان گرایش به سبک زندگی ایرانی-اسلامی برای پسران ($\mu = 3.23$) بیشتر از دختران ($\mu = 3.11$) است، همچنین میزان گرایش به سبک زندگی ایرانی-اسلامی برای متأهلان ($\mu = 3.30$) بیشتر از افراد مجرد ($\mu = 3.06$) است.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۳ است، بین دو متغیر منزلت شغلی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده که برابر با ۰/۱۸ است، هرچه منزلت شغلی افراد بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی بیشتر می‌شود، که این نتیجه با نظریه وبر که بیان می‌کند بین منزلت شغلی و سبک زندگی رابطه وجود دارد، همخوانی دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ است، بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده که برابر با ۰/۲۵ است، هرچه سرمایه فرهنگی جوانان بیشتر باشد میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی کمتر می‌شود، که این نتیجه با نظریه بوردیو که بیان می‌کند بین سرمایه فرهنگی و سبک زندگی رابطه وجود دارد، همچنین با نتایج تحقیقات لاروتس (۱۹۹۸)، نتایج تحقیقات مجدی و دیگران (۱۳۸۸) و نتایج تحقیقات زارع و فلاح (۱۳۹۰) همخوانی دارد. با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ است، بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۳۶ است، هرچه سرمایه اجتماعی جوانان بیشتر باشد میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی بیشتر است، که این نتیجه با نظریه بوردیو که بیان می‌کند بین سرمایه و سبک زندگی رابطه وجود دارد و نتایج تحقیقات زارع و فلاح (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۱ است، بین دو متغیر سرمایه اقتصادی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده که برابر با ۰/۲۱ است، هرچه سرمایه اقتصادی جوانان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی - اسلامی بیشتر است، که این نتیجه با نظریه بوردیو که بیان می‌کند بین سرمایه اقتصادی و سبک زندگی رابطه وجود دارد، همچنین با نتایج تحقیقات لاروک (۲۰۰۷)، نتایج تحقیقات لاروتس (۱۹۹۸)، نتایج تحقیقات مجدی و دیگران (۱۳۸۸) و نتایج تحقیقات زارع و فلاح (۱۳۹۰) همخوانی دارد.

با توجه به مقدار معناداری (sig) محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰.۰۰۰ است، بین دو متغیر میزان آشنایی با فرهنگ غرب و سبک زندگی ایرانی-اسلامی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰.۴۵- است، هرچه میزان آشنایی با فرهنگ غرب افراد بیشتر باشد میزان گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی-اسلامی کمتر می‌شود، که این نتیجه با حدس و گمان اولیه محقق که احتمال داد بین هر چه میزان آشنایی افراد با فرهنگ غرب بیشتر باشد، گرایش آنان به سبک زندگی ایرانی-اسلامی کمتر خواهد شد، همخوانی دارد.

منابع

- ۱- آرین، حبیب الله، (۱۳۹۲)، سبک زندگی، سایت اینترنتی سبک زندگی.
- ۲- باکاک، روبرت، (۱۳۸۱)، مصرف، ترجمه خسرو صبری، تهران: شیرازه.
- ۳- بوردیو، پی یر، (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه ۱۱-افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
- ۴- پورزارع، سعیده، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش جوانان به مصرف مشروبات الکلی در شهر بهبهان.
- ۵- تامین، ملوین، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- ۶- خادمیان، طلحه، (۱۳۸۷)، سبک زندگی و مصرف فرهنگی، جهان کتاب.
- ۷- دورکیم، امیل، (۱۳۶۰)، فلسفه و جامعه شناسی، ترجمه فرحناز خمه‌ای، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها.
- ۸- ریتزر، جورج، (۱۳۸۴)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ۹- شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۱)، سبک زندگی به عنوان شاخصی برای سطح ایمان، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره سوم.

- ۱۰- فاضلی، محمد، (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- ۱۱- فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۱، «نقش و جایگاه سبک زندگی در فرآیند شکل گیری تمدن نوین اسلامی». مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین المللی پژوهشی شیخ طوسی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفیص. ۱۹۳-۱۷۳.
- ۱۲- فیروزی؛ محمدرضا، فردوسی نیک؛ شریف، سراج؛ سیدعلی، عدالتی نسب؛ (۱۳۸۵)، مقایسه سبک زندگی از نظر جامعه شناسان غربی و اندیشمندان اسلامی.
- ۱۳- کاویانی، محمد، (۱۳۹۰)، کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، فصلنامه روانشناسی و دین، سال چهارم، شماره دوم. ۵۰
- ۱۴- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی .
- ۱۵- مجدی؛ علی اکبر، صدرنبوی؛ رامپور، بهروان؛ حسین، هوشمند؛ محمد، (۱۳۸۸)، سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین.
- ۱۶- مهدوی کنی، محمدسعید، (۱۳۸۷)، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، بهار ۱۳۸۷، شماره اول.
- ۱۷- وبلن، تورستون، (۱۳۸۶)، نظریه طبقه تن آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ دوم، تهران: نی.

18- Bourdieu, Pierre, (1984), *Distinction: A Social Critique of Judgement of Taste*, London: R.K.P.